

مروری بر تاثیر شهرنشینی در روند توسعه سیاسی در ایران سید حامد موسوی شال^۱

تاریخ دریافت مقاله : ۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله : ۹۹/۱۲/۲۰

چکیده

شهرها نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه هستند. اجرای موثر این برنامه‌های توسعه، نیازمند اسناد بالادستی مانند طرح آمایش سرزمین، برنامه‌های توسعه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی هستند. که موجب سیاست‌گذاری بهتر در برنامه‌های توسعه کلان، مدیریت شهری کارآمد و مشارکت مردم است. توسعه سیاسی می‌تواند یکی از مهم‌ترین تاثیرات را بر شهرنشینی داشته باشد در مقاله مربوطه، به مرور بررسی تاثیر شهرنشینی بر روند توسعه سیاسی شهرها در ایران از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ پرداخته می‌شود. این تحقیق از لحاظ نوع پیمایشی است و از لحاظ روش کتابخانه‌ای است. ابزار گردآوری اطلاعات مطالعات میدانی و اسناد مرجع در این زمینه بوده است. یافته‌های این تحقیق بیان می‌کند که شاخص‌های استنتاجی مثل شهرنشینی و فرایند آن یکی از مؤلفه‌های زیربنایی توسعه سیاسی است. همچنین مؤلفه‌های مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، آزادی بیان و اندیشه و دموکراسی، نهادسازی و تضعیف بنیان‌های عشیره‌ای، قومی و جنسیتی هر یک تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر توسعه سیاسی داشته‌اند. عواملی مانند بسیج اجتماعی و شکل‌گیری فضاهای عمومی و مجازی تأثیر غیرمستقیم بر توسعه سیاسی داشته‌اند. شاخص‌های استخراجی ناشی از برنامه‌های ۵ ساله پنجم و ششم کشور نیز به عواملی مهمی از جمله، تنوع استراتژی‌های شهری، آگاهی‌های سیاسی شهروندان، دموکراسی و دیپلماسی شهری، حکمرانی خوب شهری امنیت شهری، تقویت اماکن مذهبی دلالت دارد.

کلمات کلیدی : شهرنشینی، توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی، ایران

۱. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، مدرس مرکز آموزش علمی کاربردی شهرداری قزوین، قزوین، ایران shmshmoosavi@gmail.com

۱. مقدمه

شهر و فرایند شهرنشینی که امروز به شکل زیست غالب تمام بشریت درآمده و در آینده نزدیک شاید به تنها شکل، مبدأ و بستر تحولات گسترده در ابعاد سیاسی، سکونتگاهی و زندگی اجتماعی انسان ها تبدیل شود (نظریان، ۱۳۸۸). مطالعات زیادی در ارتباط با گسترش شهر و شهرنشینی در دهه های اخیر و تأثیرات مختلف آن صورت پذیرفته است و اندیشمندان زوایای مختلف آن را کاوش کرده اند. اما یکی از مباحثی که هنوز در سطح بین المللی و به ویژه در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران قابلیت بررسی داشته و کمتر به آن پرداخته شده است، ارتباط بین شهر و شهرنشینی با توسعه سیاسی و توسعه فرهنگ سیاسی است. نتایج تحقیق تعداد زیادی از پژوهشگران در سراسر دنیا نشان می دهد که شهرنشینی به طور کلی یکی از اهرم های اساسی توسعه محسوب می شود و مطالعات زیادی در خصوص تأثیر آن بر جنبه های مختلف توسعه اقتصادی صورت گرفته است؛ اما درباره تأثیر این انقلاب (شهرنشینی) بر مقوله توسعه سیاسی تحقیقات زیادی صورت نگرفته است. پژوهشگرانی که در این خصوص تحقیق کرده اند، با توجه به سطح و کیفیت شهرنشینی در کشورهای مختلف، به نتایج متفاوتی دست یافته اند و بیشتر آنها، بر این عقیده اند که شهرنشینی دارای تأثیر کم تا زیاد بر کل مفهوم توسعه و به ویژه توسعه سیاسی است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۳). یکی از مشکلات اساسی اقتصاد جهانی این است که چگونه می توان توسعه را در کشورهای جهان سوم ارتقاء داد؟ بسیاری از مردم در این کشورها بدون سر پناه مناسب، در فقر، رکود اقتصادی، شرایط بهداشتی غیر سالم و بدون تسهیلات و امکانات اساسی و انسانی زندگی می کنند (کورل^۱، ۱۹۸۵). توسعه یک مفهوم چند بعدی است. در واقع توسعه فرآیند حرکت یک جامعه به سوی شرایط اجتماعی اقتصادی مطلوب تر نسبت به آنچه که قبلاً بوده است می باشد (میردال^۲، ۱۹۷۲) توسعه به رفع محرومیت و تحقق نیازهای اساسی انسان مانند تغذیه کافی و مناسب، آب سالم، تسهیلات و خدمات آموزشی و بهداشتی، حمل و نقل و سرپناه دلالت دارد. همچنین شامل تقویت احساس خود ارزشمندی در میان مردم می گردد. ابعاد خود ارزشمندی شامل قدرت تصمیم گیری، اتکاء به نفس، مشارکت در تصمیم گیری، هویت فرهنگی و ملی و نیز داشتن احساس هدفمندی در زندگی و کار است (استریتن^۳، ۱۹۷۹). شهرها به عنوان بستر شکل گیری نهادمندی های سیاسی و مدنی بخش جدایی ناپذیری از فرایند نوسازی و توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محسوب می شوند. در اثر فرایند نوسازی، ساخت جامعه پیچیده شده و شکاف های مختلف طبقاتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پدیدار می شود و از دل این شکاف ها، نهادها و نیروهای اجتماعی و سیاسی ظهور می کنند که این نیروها و گروه هایی که خواستار مشارکت و آزادی های سیاسی ساند، عمدتاً درون مایه شهری داشته و فضای شهری در شکل گیری و موفقیت آنها سهم بسزایی داشته است.

۱-۱. اهداف

شهر و شهرنشینی در ایران نیز طی نیم قرن گذشته همانند دیگر کشورهای درحال توسعه از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است. به گونه ای که جمعیت شهرنشین از ۳۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به بیش از ۷۱ درصد در سال ۱۳۹۲ و همچنین تعداد شهرها به ترتیب از ۱۹۹ شهر به بیش از ۱۱۹۸ شهر در سال ۱۳۹۲ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲). با افزایش تعداد جمعیت شهرنشین، به مرور از تعداد جمعیت روستایی کاسته شده و هم اکنون جمعیت روستایی کشور به کمتر از ۳۰ درصد رسیده و به تبع آن تعداد مراکز روستایی کاهش یافته است. با توجه به اهمیت شهر و شهرنشینی و تحولات آن در جهان سوم، به ویژه در کشور ایران از یک سو و نبود پژوهشی در باب نقش شهرنشینی در توسعه سیاسی از سوی دیگر، ضرورت دارد ضمن تبیین نظریه های مختلف در باب نقش شهرنشینی در توسعه سیاسی، چگونگی ارتباط آنها بررسی و تبیین شود. هدف اصلی در این پژوهش بررسی تأثیر شهرنشینی بر فرایند توسعه سیاسی در ایران است. لذا سؤال اصلی پژوهش بدین صورت مطرح می گردد:

۱- رشد شهر و شهرنشینی موجب توسعه سیاسی در یک ساختار اجتماعی ایران در سالهای ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ می گردد.

۲- رشد شهرنشینی تأثیری بر توسعه سیلسی کشور ایران در سالهای ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ داشته است.

¹ Carole

² Mirdal

³ Streenton

۱-۲. ضرورت و اهمیت

شهرها برخلاف پدیده های طبیعی، به سیاستگذاری و برنامه ریزی نیاز دارند. نمی توان انتظار داشت که مسائل شهری مانند نیاز به مسکن، حمل و نقل عمومی و تأمین ایمنی، خودبه خود روبه بهبود بگذارند. محیط زندگی شهری، نیازمند حجم عظیمی از سیاست اندیشی، مداخله های توسعه ای، هماهنگی و انتظام است. یکی از فعالیت های مفید برای تنظیم شهر، پیش بینی و برنامه ریزی آینده توسعه آن است که در قالب سیاستگذاری، برنامه ریزی و طرح های توسعه شهری انجام می شود. با وجود تأسیس وزارتخانه ها و سازمان های مختلف و تدوین و اجرای انواع سیاست ها، برنامه ها و طرح ها، مشکلات عمده شهرنشینی کشور مانند تمرکز عمده جمعیت در تهران و کلان شهرها، تداوم جریان مهاجرت به شهرهای مذکور، گسترش اسکان غیررسمی و فقر در شهرها، حل نشده باقی مانده اند.

تداوم مشکلات از دهه های پیش تاکنون نشان می دهد که مشکلات ساختاری و کلانی وجود دارند که سیاست ها و برنامه های توسعه شهری، از توجه به آن ها و حلشان بازمانده اند. در نوشتار حاضر، مروری بر مهم ترین سیاست ها و برنامه های کشور ایران از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۹ به منظور توسعه سیاسی در شهرها صورت می گیرد و برخی از مسائل آن ها شناسایی می شود. بدون شک توسعه سیاسی یکی از مهم ترین عوامل شکل دهنده رفتار و کنش های سیاسی افراد یک جامعه است. چرا که توسعه سیاسی می تواند با تحمیل الگوها و ارزش های غیرارادی، کنش های افراد را به عنوان بازیگران سیاسی تحت تأثیر قرار دهد. توسعه سیاسی هر جامعه ای از پیچیدگی خاصی برخوردار است. به دلیل آن که این به یک فرهنگ به نام فرهنگ سیاسی نیازمند است.

نوع فرهنگ اساساً طی فرایندی تاریخی و تحت تأثیر عوامل متعدد، از موقعیت جغرافیایی گرفته تا ویژگی های نظام سیاسی آن جامعه شکل گرفته است. فرهنگ سیاسی در فرایند تاریخی شکل می پذیرد و به این جهت در بررسی فرهنگ سیاسی هر جامعه باید ویژگی هایی را در نظر گرفت که ریشه در تاریخ آن جامعه دارد. از سوی دیگر، ارائه تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان مختلف در باب این مفهوم نیز بر این پیچیدگی افزوده است. لذا نخستین قدم برای شناخت توسعه سیاسی، شناخت فرهنگ سیاسی است. به نظر می رسد اصطلاح برد (حسینی، ۱۳۷۹). اما رشد و تکوین آن به عنوان یک مفهوم در علوم سیاسی مدرن به دهه ۱۹۵۰ و ۶۰ میلادی برمی گردد و این اصطلاح به صورت علمی و مدون، از جنگ جهانی دوم در ادبیات توسعه مطرح شده است. هر نظام سیاسی شامل الگوی خاصی از سمت گیری ها به سوی عمل سیاسی است. در واقع بهتر است این الگو و فرهنگ را توسعه سیاسی بنامیم (آلموند و وربا، ۱۹۹۰).

همچنین تعبیر فرهنگ سیاسی را می توان در نوشته های جامعه شناسان و مردم شناسانی مانند ساموئل^۴، بوراند^۵، آدام اولام^۶، روت بنددیکت^۸، مارگارت مید^۹، ابرام کاردین^{۱۰}، رالف لیتون^{۱۱} دنبال کرد که در باب مفاهیمی الگوها، اعتقادات و فرضیه های معمولی مردم بررسی های مهمی انجام داده اند (پوراحمد و همکار، ۱۳۹۳). فیشر^{۱۲} نیز توسعه فرهنگ سیاسی را لازمه توسعه سیاسی الگوها، اعتقادات و فرضیه های معمولی مردم نسبت به نظام سیاسی و کارکردهای آن می داند؛ کارکردهایی که در زمینه انگاره ها و ایستارها نسبت به اقتدار، مسئولیت های حکومتی و الگوهای مربوط به جامعه پذیری سیاسی مورد توجه قرار می گیرند (فیشر، ۱۹۹۰). توسعه سیاسی نحوه و توجه به محیط جغرافیایی و نحوه دسترسی آن ها به اطلاعات و خدمات مختلف، از سطوح مختلفی از شهروندان را برخوردار می داند. از سوی دیگر، توسعه به رفع محرومیت و بر تحقق نیازهای اساسی انسان مانند تغذیه کافی و مناسب، آب سالم، تسهیلات و خدمات آموزشی و بهداشتی، حمل و نقل و سرپناه دلالت دارد و شامل تقویت احساس خودارزشمندی در میان مردم می گردد. ابعاد خودارزشمندی شامل قدرت تصمیم گیری، اتکا به نفس، مشارکت در تصمیم گیری، هویت فرهنگی و ملی و نیز داشتن احساس هدفمندی در زندگی و کار است (همان).

⁴ Almond and verba

⁵ Samoel

⁶ Burander

⁷ Oulam

⁸ Bandict

⁹ Mid

¹⁰ Kardin

¹¹ Linton

¹² Fisher

۲-۱-۱ توسعه سیاسی

توسعه یکی از مفاهیم پیچیده اقتصادی و سیاسی جامعه شناسی توسعه است. براساس تعاریف مربوط به توسعه تعریفی که مبین وضع مشترک تمامی آن هاست افزایش مشارکت آگاهانه و فعال مردم را رویکرد اساسی خود می‌داند. تعریفی که گذار از وضعیت سنتی به مدرن را توسعه قلمداد می‌کند نوعی اعتقاد به تقابل میان سنت و مدرنیته نهفته است و این اصول که در بسیاری از زمینه‌ها این تقابل غیر واقعی بوده و یا شدت آن به میزان مطرح شده نیست (رضایی، ۱۳۸۵).

همانطوری که فوکویاما^{۱۳} می‌گوید، اصول توسعه فرهنگ سیاسی نشانه عمق اخلاق و ارزش‌های سنتی است که می‌تواند زیربنای فکری و روحی و روانی لازم جهت همکاری میان افراد جهت نیل به توسعه را فراهم نماید. توسعه چه به عنوان برنامه و چه به عنوان فرآیند دارای محصول و پیامد است که مهمترین نتیجه مورد انتظار آن افزایش کیفیت زندگی آدمی است. مشارکت آگاهانه مردم را به عنوان هسته اصلی توسعه امری پذیرفته شده و در پی آن است که حرکت رو به جلو جامعه را چند بعدی پنداشته و بر درون‌زا بودن توسعه تأکید دارد چنانچه این جایگاه مطلوب می‌بایست سایر جوامع به آن سمت حرکت نمایند. رویکرد مشارکت محور به زمینه‌های اجتماعی - سیاسی و فرهنگی بیشتر توجه کرده و اشخاص آگاه را عامل گزینش و تعیین‌کننده مسیر توسعه می‌داند. اولین نکته در باب توسعه این است که این مفهوم دارای بار ارزشی است و تقریباً مترادف کلمه بهبود به کار می‌رود (ازکیا، ۱۳۹۲).

توسعه سیاسی که غالباً در گفتمان رایج امروز ایران مترادف با افزایش مشارکت مردمی فهمیده می‌شود، مفهومی پیچیده و چند وجهی است و بین نظریه پردازان مختلف در مورد تعریف و شاخصه‌های توسعه سیاسی اختلاف نظر وجود دارد یکی از مکاتب ریشه دار در مطالعات توسعه، نظریه نهادگرایی می‌باشد که براساس آن زمانی یک جامعه توسعه یافته محسوب می‌شود که درباره هرنیازی، نهادهای برای پاسخ-گویی و تأمین آن نیاز ایجاد شده باشد. توسعه سیاسی تبلور شکل‌گیری قالب فکری جدیدی که در آن فرآیندی نهادین از حرکت پیشرونده ولی متعادل، خود افزایشده و با ثبات سیاسی انجام می‌شود که در آن یک جماعت انسانی سیاسی به سوی مشارکت فعالانه سیاسی شهروندان خود داوطلبانه، آگاهانه و عاقلانه گام بردارد تا برای کلیه مشکلات مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود از لحاظ سیاسی با همدلی و به طور غیر خشونت آمیز راهجویی مدبرانه و پویا داشته باشند (سیف‌زاده، ۱۳۹۲).

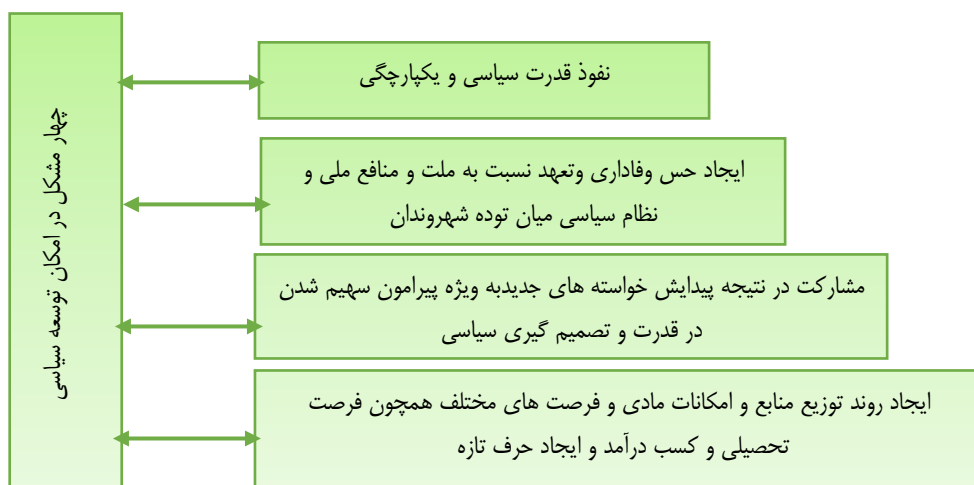
۲-۱-۲ معیارهای توسعه سیاسی

نظر هانتینگتن معیارهای توسعه سیاسی عبارتند از: پیچیدگی، استقلال، انعطاف‌پذیری، یگانگی و پراگماتیسم. به طور کلی او مفهوم توسعه سیاسی را بر اساس میزان صنعتی شدن، تحرک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرار داده است (قوام، ۱۳۹۰). لوسین پای معتقد است در مجموع افزایش ظرفیت نظام را در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی را لازمه توسعه سیاسی می‌پندارد (همان منبع). از نظریات این دو اندیشمند برداشت می‌شود که مشارکت سیاسی یکی از پارامترهای اصلی توسعه سیاسی می‌باشد. مارتین لیپست در مقاله عمده‌ای در سال ۱۹۵۹ صریحاً نشان داد که میان توسعه سیاسی به معنای دموکراسی و عوامل اجتماعی و اقتصادی رابطه همبستگی وجود دارد (بشیریه، ۱۳۹۱).

۲-۱-۳ مراحل شکل‌گیری توسعه سیاسی

برای نیل به توسعه سیاسی باید افراد جامعه به همبستگی کامل برسند و باورها و ارزش‌های مشترک را بیابند و برای تقویت آن‌ها برنامه‌ریزی و تلاش کنند. برای انجام این کار حکومت باید از دید مردم مشروع باشد، امکانات و خدمات را بدون تبعیض توزیع نماید تا در اعماق جامعه نفوذ کند و مردم با مشارکت اختیاری، آگاهانه و خود جوش در ایجاد توسعه سیاسی با دولت همکاری نمایند. از نظر گابریل آلموند اگر نظام سیاسی چهار مشکل موجود را حل نماید امکان تحقق توسعه سیاسی در جامعه است. ۴ مرحله توسعه سیاسی مطابق با نمودار ۱ مشخص شده است.

¹³ Fokoyama



نمودار ۱ چهار مشکل در امکان تحقق توسعه سیاسی (مرصوصی و بهرامی پاوه، ۱۳۹۰)

بنابراین عامل اصلی و مهم در توسعه سیاسی افزایش مشارکت سیاسی می‌باشد. در جامعه ای که مشارکت بیشتر مردم با آگاهی، آزادی و برابری باشد، افراد به شهروندان فعال تبدیل می‌شوند، همه بخش های جامعه دارای اقتدار و هویت شده و همبستگی قوی بین مردم و رهبران آنها به وجود می‌آید. اهمیت مشارکت تا بدان حد است که دانش پژوهانی مانند لی‌پرستون^{۱۴} و جیمز پست^{۱۵} آن را سومین انقلاب در مدیریت خوانده‌اند. نخستین انقلاب پدید آوردن سلسله‌مراتب سازمانی و دومین انقلاب جدا کردن مدیریت از مالکیت و حرفه ای شدن مدیریت است (جهانیان، ۱۳۸۸).

۲-۱-۴ شاخص‌های توسعه سیاسی

در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ هنگامی که بحث از توسعه به میان می‌آمد، مراد توسعه یا رشد اقتصادی بود؛ یعنی روندی که منجر به افزایش درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی شده و باعث بهبود سطح زندگی بهتر برای مردم محروم می‌گردد. زیرا در عمل ثابت شد که عدم کارایی ساختارها و کارکردهای نظام سیاسی وضعیتی به وجود می‌آورد که مانع از توسعه اقتصادی مطلوب میشد. تا اوایل دهه ۱۳۱۰ بر این امر تاکید می‌شد که به واسطه وجود همبستگی در میان جوامع انسانی (در سایه توسعه ارتباطات) (چنان‌که بتوان جهان سوم را از لحاظ روانی به مثابه جوامع پیشرفته صنعتی، مدرن تلقی کرد و کمک های لازم اقتصادی در اختیار آن قرار داد، توسعه سیاسی مطلوب به دست خواهد آمد. اما از اوایل دهه ۱۳۳۰ در مفهوم توسعه سیاسی تغییری به وجود آمد و محققین علوم سیاسی به پارامترهای اجتماعی و سیاسی بیش از شاخص‌های اقتصادی بها دادند (قوام، ۱۳۸۲). بر این اساس اندیشمندان سیاسی در دهه‌های اخیر شاخص‌های مختلفی را برای توسعه سیاسی ذکر کرده‌اند. از دیدگاه هانتینگتون هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد. بدین ترتیب از نظر او معیارهای توسعه سیاسی عبارتند از: پیچیدگی، استقلال، انعطاف‌پذیری، یگانگی و پراگماتیسم (هانتینگتون، ۱۹۶۵). به نقل از (آبیار، ۱۳۹۶) به طور کلی میتوان شاخص‌های توسعه سیاسی را در موارد ذیل خلاصه کرد: دولتمداری یا یکپارچگی سرزمینی، شکل‌گیری ملت یا یکپارچگی ملی، انتخابات آزاد و افزایش حق رأی، افزایش مشارکت سیاسی، مشارکت مردم در هیئت‌های تصمیم‌گیری، حسابگری فزاینده گروه‌های خودمختار، آزادی مطبوعات و رشد رسانه‌های جمعی، تراکم منافع فزاینده توسط احزاب سیاسی، تمرکز زدایی سیاسی و اداری، خودگردانی حکومت‌های محلی، استقلال قوه قضائیه و غیره (عالم، ۱۳۸۲) جوامع دموکراتیک جوامعی هستند که در لایه‌های مختلف جامعه خود شاخص‌های مثبت توسعه سیاسی را اعمال کرده‌اند.

¹⁴ Pereston

¹⁵ Pest

مروری بر تاثیر شهرنشینی بر روند توسعه سیاسی در ایران

همانگونه که اشاره شد خودگردانی حکومت‌های محلی و تمرکززدایی سیاسی نیز از شاخص‌های توسعه سیاسی هستند اما این بدان معنا نیست که لزوماً دموکراتیک باشند زیرا توسعه سیاسی نمیتواند تنها محدود به یکی دو شاخص باشد (آییار، ۱۳۹۶) نکته قابل توجه در این است که در شاخص‌های توسعه سیاسی منظور نشان دادن وضعیت است؛ ولی در مبحث معیارهای توسعه سیاسی، نکات قابل اندازه‌گیری برای تشخیص درجه نزدیکی به اهداف است.

۳- شهرنشینی

شهرنشینی فرآیندی است که در آن تغییراتی در سازمان اجتماعی سکونتگاه‌های انسانی به وجود می‌آید که حاصل افزایش، تمرکز و تراکم جمعیت می‌باشد. از نظر سازمانی، در شهرنشینی دگرگونی‌هایی در ساخت اجتماعی - اقتصادی و کارکردهای جمعیتی ظاهر می‌شود. این جریان تغییراتی را در ساخت فضای داخلی شهرها به وجود می‌آورد. به طور کلی شهرنشینی دارای دو خصیصه اصلی است. مهاجرت مردم از حوزه‌های روستایی به شهری، جهت اشتغال در فعالیت‌ها و مشاغل غیر کشاورزی. به سخن دیگر، شهرنشینی کارکردهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ویژه‌ای را در اختیار مردم قرار می‌دهد و تراکم جدیدی را به وجود می‌آورد و در نتیجه در کاربری زمین شهری نیز تغییراتی را موجب می‌شود. دگرگونی در سبک زندگی مردم، از سبک زندگی روستایی به شهری، به همراه تغییر در ارزش‌ها، نگرش‌ها که رفتارهای تازه‌ای را سبب می‌شود. (شکویی، حسین، ۱۳۷۴). ایران از جمله کشورهای در حال توسعه است که نرخ رشد شهرنشینی در آن با سرعت سرسام‌آوری در چند دهه اخیر متحول شده است. الگوی برونزای توسعه شهری از یک سو توزیع نامتناسب جمعیت شهری در پهنه جغرافیایی کشور از سوی دیگر، سبب شده است سیمای شهری و الگوی توسعه آن چندان مطلوب و پایدار نباشد. الگوی شهرنشینی از بیماری‌های اساسی بسیاری از طراحی بی روح و ناموزون تئوری شهرهای خاکستری^{۱۶}، فاصله زیاد بین مناطق در برخورداری از خدمات شهری و عدم مشارکت شهروندان گرفته تا رشد خارج از اراده مدیریت شهری شهرها (ساخت و سازهای غیرمجاز، حاشیه‌نشینی) در رنج است (نقدی، ۱۳۸۱). در واقع شهرنشینی یکی از موضوعات مهم عصر جدید شده است و تاجایی که از انقلاب شهری یاد می‌شود. ایران از جمله کشورهای در حال توسعه است که نرخ رشد شهرنشینی در آن به سرعت سرسام‌آوری در چند دهه اخیر متحول شده است.

بطوریکه طی سالهای گذشته میزان رشد شهرنشینی ۴/۴ درصد بوده و در همین دوره متوسط رشد تولید ناخالص داخلی تنها ۴/۱ درصد بوده است. الگوی برونزای توسعه شهری از یکسو و توزیع نامتناسب جمعیت شهری در پهنه جغرافیایی کشور از سوی دیگر سبب شده است تا سیاستهای شهری و الگوی توسعه آن چندان مطلوب و پایدار نباشد (نوابخش و همکاران، ۱۳۸۶). گسترش شهرنشینی به خصوص در دوره معاصر سبب دل مشغولی بسیاری از نخبگان و صاحب‌نظران گوناگون به مسائل و پیامدهای ناشی از توسعه شهر و شهرنشینی شده است. گسترش شهرنشینی به عنوان یک پدیده معمول در جوامع، موجب شده که مسئله شهر یکی از مسائل جامعه‌شناسی شود. نظام شهرنشینی و روند سریع آن در کشورهای در حال توسعه سبب هجوم گسترده به شهرها و پیدایش بخش خدمات متورم، حاشیه‌نشینی، بیکاری پنهان و پیدایش دوگانگی شبکه‌های اجتماعی مهاجرین در شهرها می‌شود. شهرهای کشورهای رشد نیافته نهادهای دورگه‌ای هستند که در نتیجه دو واکنش پدید آمده‌اند. اول واکنش به تقسیم‌کار اجتماعی که پدیده‌ای بومی است و دوم واکنش به ادغام در اقتصاد جهانی (گیلبرت و گالگر، ۱۳۷۵).

توسعه جامعه (توسعه درونزا) بر تمامی اجزای ارتقای سطح زندگی اکثریت افراد فراهم آوردن امکانات، هدایت آگاهانه جامعه توسط مردم تکیه دارد. رسیدن به خواستی علاوه بر شناسایی امکانات و توانایی‌های بالقوه ماده و تخصصی جامعه نیازمند توجه خاص به شرایط تاریخی، سنن فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و روانشناسی اجتماعی نیز می‌باشد و این روند، جدا از روند گذشته جامعه نخواهد بود.

۴- شهرنشینی و توسعه سیاسی

به طور کلی توسعه‌جویی است که در خود، تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را به همراه دارد. توسعه افزون بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختارهای نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین رویکردهای مردم است. بنابراین در بسیاری از موارد حتی عادات، رسوم و عقاید مردم را نیز دربر می‌گیرد (ازکیا، ۱۳۹۶). سه نوع

¹⁶ Grey city

دیدگاه در ارتباط با شهرنشینی؛ نوسازی و دگرگونی فرهنگ سیاسی مطرح می‌باشد. اولین مدل که توسط میلبرت^{۱۷}، داتچ^{۱۸}، لرنر^{۱۹} و دیگران بسط داده شده، مدعی است مشارکت و فرهنگ سیاسی با جابجایی افراد از مناطق حاشیه‌ای روستایی به مناطق مرکزی شهری بالاتر می‌رود. بر طبق نظریه مرکز پیرامون میلبرت، برخی افراد تمایل بیشتری نسبت به دیگران برای مشارکت در کانال‌های سیاسی جامعه دارند. ساکنان شهرها، به همین ترتیب گرایش بیشتری به فرآیندهای سیاسی در قیاس با ساکنان روستاها دارند (میلبارت، ۱۹۶۵).

در روشی مشابه، دانیل لرنر شهری شدن را به عنوان مرحله حیاتی فرایند چندجانبه مشارکت سیاسی قلمداد می‌کند، زیرا شهرنشینی باعث افزایش سطح آگاهی مردم برای مواجهه با رسانه‌های ارتباط جمعی می‌شود و از این طریق مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد (لرنر، ۱۹۸۵). در نهایت بر طبق تحلیل داتچ بسیج اجتماعی باعث گسترده شدن مشارکت اجتماعی می‌شود. از نظر او همانطوری که یک جامعه به سمت شهری شدن، صنعتی شدن، و مدرنیزه شدن بیشتر حرکت می‌کند، مردم بیشتر به حکومت و کارکردهای آن و همینطور منافع خود آگاهی پیدا می‌کنند. آگاهی بیشتر از منافع سیاسی خود باعث تقاضای بیشتر برای مشارکت سیاسی و سطح بیشتری از درگیری سیاسی توده‌ها در سیاست می‌شود (داتچ، ۱۹۶۱). بر طبق مدل دوم یعنی "شهرنشینی و تنزل مشارکت سیاسی و به تبع آن افت فرهنگ سیاسی"، که توسط وربا^{۲۰}، نیل^{۲۱}، دال^{۲۲}، و دیگران پرورش یافته است، مشارکت و فرهنگ سیاسی با جابه جایی افراد از مناطق کم جمعیت تر یعنی روستاها و شهرهای کوچک به مناطق پرجمعیت تر یعنی شهرهای بزرگ و بخصوص پایتخت‌ها که از آنها به عنوان دولت محلی یا شهر یاد می‌شود، تنزل می‌یابد. زیرا در شهرهای کوچک و روستاها حقیقت سیاست و اینکه با چه کسی باید ارتباط برقرار کنند را درک می‌کنند، در قیاس با شهرهای بزرگ سیاست خیلی پیچیده و غیر شخصی می‌شود و شهروندان به میزان بیشتری سردرگم می‌شوند. در نتیجه فرهنگ سیاسی والا و مشارکت سیاسی معنادار مشکل می‌شود و سطح فرهنگ سیاسی تنزل پیدا می‌کند. مشابه آن وین، دال و تافته پیش‌بینی می‌کردند که مشارکت و سطح فرهنگ سیاسی در شهرها کاهش پیدا کند، در شهرهای بزرگ‌تر افراد احساس کارآمدی کمتر و در نتیجه مشارکت سیاسی کمتری دارند، بنابراین انگیزه کمتری برای مشارکت دارند و سطح فرهنگ سیاسی تنزل پیدا می‌کنند (کیم و جونگ^{۲۳}، ۱۹۷۸). در نهایت آلکس اینکلس^{۲۴} و دیگران معتقدند شواهد اندکی وجود دارد که شهرنشینی تأثیر آشکاری بر رفتار سیاسی افراد داشته باشد. او در این زمینه می‌نویسد، "آشکار است زندگی در یک محیط شهری تأثیر شگرفی بر نرخ مشارکت سیاسی ندارد (اینکلس، ۱۹۶۹).

-سؤالات پژوهش

بر اساس اهداف پژوهش به منظور انجام این تحقیق سؤالات متعددی در ذهن وجود خواهند داشت لیکن مهم‌ترین سؤالات پژوهش حاضر عبارتند از :

- آیا رشد شهر و شهرنشینی موجب توسعه سیاسی در یک ساختار اجتماعی ایران در سالهای ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ می‌گردد؟
- رشد شهر نشینی چه تاثیری بر توسعه سیلسی کشور ایران در سالهای ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ داشته است؟
- سیاست‌هایی که باید در راستای تعادل بخشی نظام شهری به کار بگیریم چه مواردی است؟

۲. پیشینه پژوهش

جامعه مدنی از جمله مفاهیمی است که توسط متفکرین مختلف بررسی و دیدگاه‌های گوناگونی در رابطه با کارکردها و عوامل لازم جهت تحقق آن در جامعه مطرح شده است. جامعه مدنی، به عنوان حوزه‌ای مستقل از دولت و عرصه‌ای برای رقابت نیروهای

¹⁷ Milbart

¹⁸ Dutch

¹⁹ Lerner

²⁰ Voria

²¹ Nile

²² Dolle

²³ Kim and Choe

²⁴ Inkles

اجتماعی از ضرورت های اساسی یک نظام سیاسی دموکراتیک به شمار می آید. امروزه اصطلاح "جامعه مدنی" در جامعه شناسی سیاسی در مقابل دولت، به حوزه ای از روابط اجتماعی اطلاق می شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه ای از نهادها، مؤسسات، انجمن ها و تشکلهای خصوصی و مدنی غیر خصوصی را در برمی گیرد. تعاریف متعددی از جامعه مدنی ارائه شده است. جامعه مدنی عبارت است از حوزه ای از روابط اجتماعی شامل نهادهایی که از نظر فکر و هدف همسو باشند و در قالب احزاب، اصناف و مانند آن فعالیت می کنند (بشیریه، ۱۳۸۵). به گونه ای که دولت در آن ها نفوذی ندارد، بلکه آن ها در سیاست نفوذ دارند و در کلیه تصمیم گیری های سیاسی و خط مشی ها دخالت دارند (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷).

نوع تحول های شهری ایران در دهه های گذشته مانند مهاجرت های گسترده روستا-شهری، رشد شهر به هزینه مازاد اقتصادی ناشی از صادرات نفتی، بیش شهرنشینی، قطع پیوندهای منطقه ای روستا و شهر و برهم خوردن سلسله مراتب شهری، همراه با پیدایش مسائل و مشکلات مزمن و شهرنشینی وابسته حل نشده ای مانند بدمسکنی، ترافیک و آلودگی های مختلف، حکایت از پدیده دارند (حسامیان و همکاران، ۱۳۸۳). چایچیان با مطالعه مسئله شهرنشینی وابسته در ایران و مصر و با بهره گیری از نظریه های کاستلز^{۲۵}، ۱۹۸۰ و گیلبرت^{۲۶} و گوگلر^{۲۷}، ۱۹۸۲، چهار فرایند بسط سرمایه داری و شهرنشینی وابسته را در کشورهای پیرامونی چنین شرح می دهد:

اول نفوذ و رخنه کشاورزی تجاری و برقراری مالیات های پولی در مناطق روستایی، سبب فروپاشی اشکال پیش سرمایه داری تولید کشاورزی می شود؛ اتفاقی که به مهاجرت از روستا به شهر منجر شده است. با واردات کالاهای کارخانه ای از کشورهای مرکز، صنایع دستی شهری و روستایی تحلیل می روند و موجب افزایش میزان بیکاری در میان مهاجران روستایی و صنعتگران شهری می شوند. دوم طبقات حاکم بومی همواره مازاد پولی و جنسی را به چنگ می آورند. طبقه هایی که در هر صورت، منافعشان در راستای منافع سرمایه داری در مرکز است. سوم بخشی از نیروی کار روستایی و صنعتگران شهری در شهرهای کوچک، که از اشکال تولید پیش سرمایه داری جدا شده اند- به تدریج به دنبال کار به شهرهای بزرگ مهاجرت می کنند، اما تنها بخش کوچکی از این مهاجران به عنوان کارگران دستمزدی جذب بخش صنعتی به شدت سرمایه بر شهری می شوند. بیشتر نیروهای کار شهری، جذب تولید کالایی کاربر و فعالیت های خدماتی می شوند. چهارم همراه با فرایندهای بالا، دیوان سالاری دولتی متمرکز در کشورهای پیرامون شکل که هدف اصلی آن، تدارک یک زیرساخت مناسب برای توسعه صنعتی وابسته در مراکز شهری اصلی است (چایچیان، ۱۳۹۰)

ایمانی جاجرمی در سال ۱۳۹۵ در مطالعه ای با عنوان بررسی انتقادی سیاست ها و برنامه های توسعه شهری در ایران اذعان می کند که که اکنون در نبود مشارکت و نظارت مردمی، سیاست ها و برنامه های توسعه شهری گرفتار در دیوان سالاری های عظیم و رانت جویی های سازمان های عمومی، در مقابله با شرایط شهرنشینی وابسته شکست خورده اند. آنچه رشد شهرها را هدایت می کند، نه چارچوب های سیاستی، بلکه منافع گروه های قدرتمند سودجویی از زمین و رانت های شهری و تقای تهیدستان شهری برای تصرف زمین و ساخت کاشانه ای محقر است. شرایطی که تداوم وضعیت شهرنشینی پیرامونی را در پی خواهد داشت. ایشان نتیجه می گیرد که در نبود مشارکت و نظارت مردمی، سیاست ها برنامه های توسعه شهری گرفتار در دیوان سالاری های عظیم و رانت جویی های سازمان های عمومی، در مقابله با شرایط شهرنشینی وابسته شکست خورده اند و به زبان ساده باید گفت آنچه رشد شهرها را هدایت می کند، نه چارچوب های سیاستی بلکه منافع گروه های قدرتمند، سودجویی از زمین، رانت های شهری و تقای تهیدستان شهری برای تصرف زمین و ساخت کاشانه ای محقر است. شرایطی که تداوم وضعیت شهرنشینی پیرامونی را همچنان در پی خواهد داشت.

²⁵ Custlers

²⁶ Gilbert

²⁷ Gogler

سرمدی و راهبر در مطالعه ای در سال ۱۳۸۸ در بررسی توسعه سیاسی شهرهای ایران پس از خرداد ۱۳۷۶ به آسیب شناسی دیدگاه اصلاحات در تحقق شعار توسعه سیاسی شهرها می پردازد. نتایج این مطالعه تنوع استراتژی و سازوکارهای توسعه سیاسی اصلاحات را بواسطه عدم یکپارچگی مورد انتقاد قرار می دهد.

احمدیان و غلامی، ۱۳۸۰ در مقاله ای با عنوان توسعه شهرنشینی در ایران آن را بواسطه بهبود شرایط زیستی با سیاست های بی نظیر مثل بهداشت و درمان، تحصیلات، اشتغال و حمایت های زیست محیطی، اقتصاد شهری و ... همگام می داند. در این پژوهش صن بررسی شرایط سیر تحول شهر نشینی در ایران و سیر تاثیر آهنگ رشد آن بر توسعه سیاسی درک و شناخت سیاسی در شهر را به عنوان عامل تاثیر گذار بر توسعه سیاسی شهرها برمی شمارد.

پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۳، در مطالعه ای علمی و پژوهشی به تبیین نقش شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی در ایران پرداخته است. این پژوهش بیان می کند که مؤلفه های مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، آزادی بیان و اندیشه و دموکراسی، نهادسازی و تضعیف بنیان های عشیره ای، قومی و جنسیتی هر یک تاثیر مستقیم و غیرمستقیم بر توسعه فرهنگ سیاسی داشته اند. نیز متغیرهای بسیج اجتماعی و شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی تأثیر غیرمستقیم بر توسعه فرهنگ سیاسی داشته اند.

حسینی و پوراحمد، ۱۳۹۴ با انجام مطالعه ای تحلیلی بر جایگاه شهر و شهرنشینی در توسعه جامعه مدنی داشته اند و نتیجه حاصل از این تحقیق آن است که شهرنشینی و فرآیند آن به عنوان یکی از مؤلفه های زیربنایی توسعه فرهنگ سیاسی به طور اخص و توسعه جامعه مدنی به طور اعم می باشد. این فرآیند با ارتقا مؤلفه هایی نظیر مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، آزادی بیان و اندیشه، دموکراسی، نهاد سازی، بسیج اجتماعی و شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی منجر به بسط و توسعه مفاهیم جامعه مدنی شده و به طور کلی بر توسعه سیاسی یک نظام اجتماعی مثل شهرها تأثیر گذار است.

پرمه و همکاران در مقاله ای در سال ۱۳۹۵ مطالعه ای را با بررسی ارتباط تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با روند شهرنشینی در جهان و ایران در سال های از قبل از انقلاب تاکنون انجام داده اند در این راستا به مطالعه نقش تحولات داخلی و عوامل بین المللی در تحولات شهرنشینی ایران پرداخته شده است. نتایج مطالعه نشان می دهد که رشد جمعیت شهری در ایران سه مرحله خیزش، انفجار و تثبیت را پشت سر گذاشته است و در حال حاضر در مرحله تثبیت قرار دارد ولی به لحاظ انفجار جمعیتی ناشی از تحولات داخلی بین المللی، شهرنشینی بی رویه در ایران به وقوع پیوسته که پیامدهای آن هنوز هم در مدیریت شهری ایران به وضوح قابل مشاهده است.

حیدری و همکاران، ۱۳۹۸ در مطالعه ای به تبیین توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با محوریت نقش شوراهای اسلامی و مشارکت شهروندی می پردازد. نتایج این تحقیق نشان می دهد که در صورت بهره برداری از همه توان و ظرفیت های قانونی و محلی و نیز کاهش چالش ها، شوراهای می توانند نقش موثرتری در روند توسعه سیاسی ایفا کنند. در راستای حل مشکلات موجود، توسعه سیاسی و مدیریت بهینه شهری یک اصلاح اصولی با مشارکت شهروندان می تواند راهگشا باشد. تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصد آن است که تأثیر شوراهای اسلامی را در فرآیند توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران بررسی کند.

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر نوع تحقیق پیمایشی است. و از نظر روش به صورت کتابخانه ای انجام پذیرفته است. روش گردآوری اطلاعات بر اساس بررسی کتابخانه ای و میدانی است. که کلیه اسناد و کتب مربوطه مورد بررسی قرار گرفته است. قلمرو مکانی تحقیق شهرهای بزرگ ابران است و قلمرو زمانی داده های میدانی بین سال های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ است در پژوهش حاضر مطالعات انجام پذیرفته شده با تحلیل محتوای اسناد مورد بررسی قرار گرفته است.

۴- یافته ها و نتایج

با بررسی های انجام پذیرفته و جستجوی فعال در اسناد کتابخانه ای و مرجع شهرنشینی و توسعه سیاسی در جدول ۱ نتایج حاصل از بررسی و گردآوری کتابخانه ای مبتنی بر تحلیل محتوا بر اساس مطالعات تحقیق مشخص گردیده است.

مروری بر تاثیر شهرنشینی بر روند توسعه سیاسی در ایران

جدول ۱، شاخص‌های استنباطی شهرنشینی و توسعه سیاسی

ردیف	تحقیق	شاخص‌های استنباطی
۱	احمدیان و غلامی، ۱۳۸۰	بهبود شرایط زیستی
۲	سرمدی و راهبر، ۱۳۸۸	تنوع استراتژی و سازوکارهای توسعه ی سیاسی
۳	پور احمد و همکاران، ۱۳۹۳	مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، آزادی بیان و اندیشه و دموکراسی، نهاد سازی و تضعیف بنیان های عشیره ای، قومی و جنسیتی
۴	حسینی و پور احمد، ۱۳۹۴	مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، آزادی بیان و اندیشه، دموکراسی، نهاد سازی، بسیج اجتماعی و شکل گیری فضاهای عمومی و مجازی
۵	پرمه و همکاران، ۱۳۹۵	رشد جمعیت شهرنشینی
۷	حیدری و همکاران، ۱۳۹۸	مشارکت شهروندان، حکمرانی شهری

کاوش در اسناد بالادستی مربوط به اجرای برنامه پنجم و ششم توسعه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران توسعه سیاسی کشور را مورد توجه قرار می‌دهد. در بررسی این اسناد موارد زیر به طور چشمگیری در خصوص توسعه سیاسی شهرها مورد توجه قرار گرفته است. جدول ۲ بیانگر شاخص ها و الویت های توسعه سیاسی کشور بر اساس اسناد بالادستی در قلمرو زمانی پژوهش است و بر اساس مطالعات انجام پذیرفته پژوهش مورد مرور قرار گرفته است.

جدول ۲، شاخص‌های استخراجی شهرنشینی و توسعه سیاسی

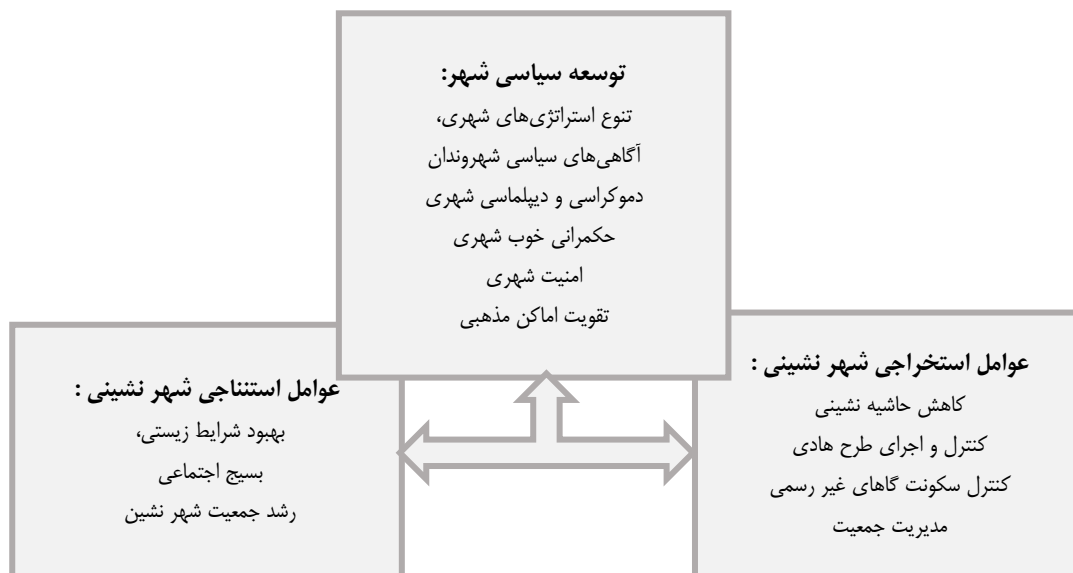
ردیف	ماده قانون	شاخص‌های استخراجی
۱	برنامه پنجم ماده ۱۷۲	شهر نشینی: کاهش حاشیه نشینی، کنترل و اجرای طرح هادی
۲	برنامه پنجم ماده ۲۱۰	توسعه سیاسی: دیپلماسی اقتصادی شهری، ارتقاء سطح مدیریت، ظرفیت دولت های محلی
۳	برنامه پنجم ماده ۶	تقویت اماکن مذهبی تقویت مساجد به عنوان پایگاه سیاسی
۴	برنامه پنجم ماده ۵	صیانت از جایگاه دینی در شهرها
۵	برنامه ششم ماده ۶۲	شهر نشینی: کاهش حاشیه نشینی، کنترل سکونت گاهای غیر رسمی، مدیریت جمعیت
۶	برنامه ششم ماده ۱۰۵	توسعه سیاسی: دیپلماسی اقتصادی، حمایت از تشکیل و ساماندهی احزاب
۷	برنامه ششم ماده ۹۵	تقویت اماکن مذهبی در همه نقاط شهری

توسعه سیاسی بدون در نظر گرفتن ارزش‌های دموکراسی و مشارکت سیاسی میسر نیست. بر این اساس قدرت سیاسی شهروندان کمترین تهدید را متوجه اقتدار حکومت می‌کند و همچنین موجد حفظ و افزایش کارایی و توانمندی نظام سیاسی می‌گردد، شواهد زیادی در دست است که نشان می‌دهد که برای رسیدن به توسعه پایدار و همه‌جانبه توجه به موضوعات جهانی شدن، تمرکززدایی، دموکراتیک‌سازی، محلی‌گرایی، حکمرانی خوب و کوچک‌سازی ساختارهای حاکمیتی الزاماتی غیر قابل انکار و بی‌بدیلند. مشارکت در انتخابات آشکارترین نوع مشارکت سیاسی بر ای اغلب شهروندان در جوامع مردم سالاری است. رأی دادن موثرترین و عملی ترین وسیله بر ای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال کنند. اساسی‌ترین عملکرد مشارکت رأی‌دهی فرصت دادن برای جانشینی و انتقال مناسب و مسئولیت‌ها در جامعه است بنابراین مشارکت سیاسی به فعالیت های داوطلبانه و آزادانه اعضای یک جامعه چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی در امور حکومتی و سیاسی که با هدف تاثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم های سیاسی کشور صورت میگیرند اطلاق میشوند. این فعالیت‌ها ممکن است حمایت از سیاست‌های موجود مقامات دولتی و یا ساختار نظام باشد و یا ممکن است به دنبال تغییر وضع موجود در نظر گرفته شود. مشارکت سیاسی جوانان که بزرگترین گروه جمعیتی در کشورهای در حال توسعه و مسئولان اداره جامعه در آینده محسوب می‌شوند. اهمیت خاصی برای ثبات سیاسی و پویایی جامعه دارد. بی‌شک جوانان یکی از

اقتضای عوامل مختلفی چون استقلال خواهی، نوجویی و آرمانگرایی در فعالیت های سیاسی، انگیزه بالینی در مشارکت سیاسی دارند. از این رو دست یافتن به چگونگی نگرش سیاسی جوانان و توجه هرچه بیشتر به عوامل اجتماعی که به مشارکت سیاسی این قشر کمک می کند امری ضروری است. از جمله دلایل مطالعه مشارکت انتخاباتی بررسی علل و عوامل موثر بر حضور شهروندان در پای صندوق های رای و راه های افزایش این حضور است.

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

بر اساس نتایج کیفی حاصل از پیشینه تحقیق عوامل مهمی از جمله بهبود شرایط زیستی، تنوع استراتژی های شهری، آگاهی های سیاسی شهروندان، دموکراسی و دیپلماسی شهری، بسیج اجتماعی، رشد جمعیت شهرنشین و حکمرانی خوب شهری می تواند به عنوان عوامل تاثیر گذار استنباطی بر توسعه سیاسی شهرها لحاظ گردد. و عواملی مثل کاهش حاشیه نشینی، کنترل و اجرای دقیق طرح هادی، کنترل سکونت گاه های غیر رسمی به همراه مدیریت جمعیت، امنیت و تقویت اماکن مذهبی از عوامل توسعه سیاسی و شهرنشینی در اسناد بالادستی مورد تاکید قرار گرفته است. بدین ترتیب می تواند مدل اولیه استنتاجی حاصل از تاثیر شهرنشینی بر توسعه سیاسی در شهرها بر اساس مطالعات انجام شده مطابق با نمودار ۲ ترسیم نمود.



نمودار ۲، تاثیر عوامل شهرنشینی بر توسعه سیاسی شهرها، مطالعات پژوهش

۶- بحث و نتیجه گیری

شهرهای ایران، طی یکصد سال اخیر به ویژه از دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، تحول های بسیاری داشته اند. مسائلی مانند رشد سریع شهرنشینی، مهاجرت های گسترده روستایی به شهرها، تمرکز شدید جمعیت و فعالیت در تهران و چند شهر بزرگ مانند تبریز و مشهد، به بروز مشکلات شهری نظیر کمبود مسکن، ترافیک نابسامان، بیکاری و فقر انجامیده است. تمرکز سرمایه گذاری های دولت در معدودی از شهرهای کشور به عنوان کانون های رشد و توسعه طی دهه های گذشته بوده است که موجب تشدید فاصله شهر و روستا شده و مهاجرت از روستاها را به این قطب های رشد، به ویژه تهران به امید اشتغال تشدید کرده است. سکونت فقرا در زمین های تصرفی، نامناسب و پست شهری، ستیزه هایی را میان آن ها و دستگاه های رسمی به ویژه شهرداری ها پدید آورده و به مشکل بدمسکنی دامن زده است. در این میان، سیاست ها و برنامه های توسعه شهری نیز از حل یا کاهش مشکلات توسعه شهری بازمانده اند. اگرچه اکنون نزدیک به پنجاه سال از سیاستگذاری شهری و ایجاد نهادهای ملی و منطقه ای برای هدایت توسعه شهری می گذرد، مسئله آن است که این سیاست ها ناکارآمدند؛ برای مثال، سلسله مراتب طرح های توسعه ناقص است و در نبود طرح های بالادست و چارچوب یافته ها و توصیه های سند بالادست، سندهای بعدی تدوین می شود. این طرح ها اهمیت زیادی دارند؛ زیرا سند پایه اند و برای دستگاه های اداری و اجرایی باید موضوع های مختلفی را هماهنگ کنند. موارد زیر به عنوان بحث و نتیجه گیری از انجام پژوهش حاضر نشان می دهد که :

مروری بر تاثیر شهرنشینی بر روند توسعه سیاسی در ایران

۱- با توجه به موضوع بررسی شده در این پژوهش که به بررسی روند تأثیرات ابعاد مختلف شهرنشینی بر توسعه سیاسی در ایران می‌پردازد، نتایج تحقیق نشان می‌دهد شهر و شهرنشینی در ایران به عنوان شکل ویژه‌ای از استقرار انسان در هر برهه از زمان متناسب با ماهیت و الگوی توسعه حاکم بر آن از تفاوت‌های کمی و کیفی و عملکردی برخوردار بوده است در شرایطی که توسعه شهری باید به عنوان جزء مهمی از سیاست‌های توسعه ملی به رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی کمک کند.

۲- در نبود مشارکت و نظارت مردمی، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری گرفتار در دیوان سالاری‌های عظیم و رانت‌جویی‌های سازمان‌های عمومی، در مقابله با شرایط شهرنشینی وابسته شکست خورده اند و به زبان ساده باید گفت آنچه رشد شهرها را هدایت می‌کند، نه چارچوب‌های سیاستی بلکه منافع گروه‌های قدرتمند، سودجویی از زمین، رانت‌های شهری و تقلای تهیدستان شهری برای تصرف زمین و ساخت کاشانه‌ای محقر است. شرایطی که تداوم وضعیت شهرنشینی پیرامونی را همچنان در پی خواهد داشت.

۳- بر اساس ادبیات و پیشینه تحقیقی می‌توان نتیجه گرفت که شهر و فرآیند شهرنشینی منجر به شکل‌گیری و ارتقاء جامعه مدنی شده است و در صورت تقویت مولفه‌های شهرنشینی از جمله بهبود شرایط زیستی، بسیج اجتماعی، رشد جمعیت شهرنشین می‌توان انتظار داشت جامعه مدنی و مفاهیم مرتبط با آن نیز به مرور توسعه پیدا کنند.

۴- اسناد بالادستی شامل برنامه پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران در قلمرو زمانی تحقیق به طور آشکار عواملی مانند حاشیه نشینی، کنترل و اجرای دقیق طرح‌های سکونت‌گاه‌های غیر رسمی به همراه مدیریت جمعیت، امنیت و تقویت اماکن مذهبی را به عنوان مهم‌ترین عوامل برای تعادل و هم‌رسانی شهرنشینی و توسعه سیاسی شهرها مورد تأکید قرار داده است.

۵- به نظر می‌رسد ساز و کارها و برنامه‌ریزی‌های خاص و دقیق برای یکپارچگی شهرنشینی به منظور توسعه سیاسی شهر باید اتخاذ نمود. اول عواملی مانند داشتن تئوری منشور و برنامه مشخص منسجم و کارآمد دوم اجماع و توافق درباره تئوری و منشور مشترک بین مفاهیم شهرنشینی و توسعه سیاسی سوم لزوم حفظ انسجام و وحدت درونی در بین جناح‌های شهری و حفظ پیوند منظم و مستمر با جامعه چهارم داشتن استراتژی‌های و تاکتیک‌های شفاف و کارآمد در مقاطع مختلف و پنجم داشتن تشکیلات و سازمان قوی برای هم‌رسانی و هم‌افزایی توسعه شهری و شهرنشینی و توسعه سیاسی مورد تأکید قرار می‌گیرد.

۶- تجربه جوامع توسعه یافته بیانگر هم‌تغییری توسعه با شهرنشینی است. رابطه بین شهرنشینی و توسعه در سطح دنیا نشان می‌دهد که سهم قابل توجهی از توسعه کشورها به وسیله متغیر شهرنشینی قابل تبیین است. در واقع رشد شتابان شهرنشینی در این مدت با توان تجهیز فضاهای شهری و گسترش زیرساختها متناسب نبوده و مشاغل مولد مورد نیاز را ایجاد نکرده است. از آنجا که توزیع فضای شهرها و جمعیت کنترل شده در چارچوب یک برنامه جامع که مبتنی بر هماهنگی‌های بخشی و ناحیه‌ای باشد صورت نگرفته، مشکلات ناشی از رشد شتابان شهرنشینی ابعاد پیچیده‌ای یافته که در نتیجه مشکلاتی نظیر گرانی مسکن، بیکاری و اسکان غیررسمی به شدیدترین شکل ممکن در سیمای شهری کشور ظاهر شده است.

۷- به نظر می‌رسد مدل استخراج شده از ادبیات و پیشینه تحقیق مدل پیشنهادی است. در واقع به منظور بررسی بیشتر پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی مدل مذکور در یک پل خبرگان و با استفاده روش‌های نظیر دلفی مورد واکاوی و ارزیابی قرار گیرد و مدل نهایی آن برای توسعه مفهوم به روز گردد.

منابع

- آبیاری، منصور؛ حسین، مسعودنیا؛ امیر مسعود، شهرام نیا (۱۳۹۶)، نقش حکومت‌های محلی در فرآیند توسعه سیاسی، مطالعه موردی: ایران، مقاله ۷ دوره بهار، ۱۹۳-۱۵۹ صفحه
- احمدیان، محمدعلی، سعادت غلامی، فریبا (۱۳۸۰)، شهرنشینی و توسعه در ایران فصلنامه مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان ویژه نامه جغرافیا و توسعه صفحه ۷ تا ۲۴.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۹)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه یافتگی روستایی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۵)، بررسی انتقادی سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری در ایران مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران دوره ۵ شماره ۱ ص ۱۰۲-۷۹.

- بشیریه، حسین (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، چاپ سیزدهم، تهران، نشر نی.
- پرمه، الهه و همکاران(۱۳۹۵)، سیر تحول توسعه شهر و شهرنشینی در دوره معاصر، چهارمین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری.
- پوراحمد، احمد حسینی، سید علی(۱۳۹۳)، تحلیلی بر جایگاه شهر و شهرنشینی در توسعه جامعه مدنی نخستین کنفرانس ملی جامعه معماری و شهر تهران
- پوراحمد، احمد و همکاران(۱۳۹۳)، تبیین نقش شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی در ایران پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری دوره ۲ شماره ۲ صفحه ۱۵۷-۱۷۶
- پوراحمد، احمد، اسکندری نوده، محمد (۱۳۸۸)، روش‌های تحقیق کیفی در جغرافیای انسانی، انتشارات سمت
- پوراحمد، احمد، حاتمی نژاد، حسین و حسینی، سیدهادی (۱۳۸۵)، آسیب شناسی طرح‌های توسعه شهری در کشور، پژوهش‌های جغرافیایی، زمستان، شماره ۵۸: ۱۶۷-۱۸۰.
- پوراحمد، احمد، معصومه مهدیان، بهنمیری علی، مهدی(۱۳۹۲) تحلیلی بر عوامل عدم تحقق مدیریت واحد شهری از دیدگاه قوانین موجود، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری سال اول بهار، شماره ۲.
- تودارو، مایکل(۱۳۶۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- جهانیان، رمضان (۱۳۸۸)، مدیریت مشارکتی رویکردی نوین در اداره سازمان‌ها چاپ اول کرج سرافراز
- چایچیان، محمدعلی(۱۳۹۰)، شهر و روستا در خاورمیانه، ایران و مصر در گذار به جهانی شدن، ۱۸۰۰-۱۹۷۰، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- چلبی، مسعود(۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، نشر نی، چاپ اول.
- حیدری و همکاران، ۱۳۹۸، بررسی نقش شوراهای اسلامی شهرها در توسعه سیاسی شهرها، فصلنامه علمی پژوهشی، جستارهای سیاسی معاصر سال دهم شماره ۱ (پیاپی ۳۱)
- رضایی، علیرضا صالحی، نجف‌آبادی، عباس (۱۳۹۸)، توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با محوریت نقش شوراهای اسلامی و مشارکت شهروندی فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال ۱۰ شماره ۱ صفحات ۲۷ تا ۵۰.
- سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، rc.majlis.ir مورخ ۲۵ دی ۱۳۹۹.
- سرمدی عباسی، مهدی، راهبر، مهرانوش (۱۳۸۸) توسعه سیاسی در ایران پس از خرداد ۱۳۷۶ فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دوره ۳۹ شماره ۲ ص ۲۵۹-۲۸۰.
- سیف زاده، سیدحسین(۱۳۹۲)، نظریه‌های مختلف درباره راه‌های گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی، چاپ دوم، تهران: نشر قومس.
- قوام، عبدالهی(۱۳۷۹)، چالش‌های توسعه سیاسی، انتشارات قومس، تهران.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰)، توسعه سیاسی و تحول اداری، چاپ دوم. تهران: قومس.
- مدیریت شهری (۱۳۷۹)، گزیده پژوهش: شیوه‌های تحقق طرح‌های توسعه شهری، شماره ۱۱۱-۱۰۴
- مرصوصی، نفیسه و بهرامی پاوه، رحمت اله (۱۳۹۰)، توسعه پایدار روستایی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- نقدی، اسداله(۱۳۸۲)، درآمدی بر جامعه‌شناسی شهر انسان و شهر(، نشر فن آوران، چاپ اول، همدان
- نوابخش مهرداد(۱۳۸۶)، سطحی‌سروش رشد و توسعه شهرنشینی در ایران با تاکید بر فعالیت‌های اجتماعی اقتصادی فصلنامه جغرافیایی سرزمین سال چهارم شماره ۱۵ صفحات ۱ تا ۱۲
- Pye, Lucian, (1996), Aspects Of Political Development, (Boston:little Brown And Copmpany
- Najafabadi, Paiande; Omid, amirteimour; Najafabadi, M.; (2013). Structural analysis Confirmatory, shahid beheshti University Press, Tehran.
- Myrdal, Gunner; (1972). Asian Drama: An Inquiry into the poverty of Nations, abridged edition, New York, Vintage Books.

- Milbrath, Lester W.; (1965). political Participation: How and Why People Get Involved in Politics, Chicago, Rand McNally, pp. 110-4.
- Lester W. Milbrath, political Participation: How and Why People Get Involved in Politics, Chicago: Rand McNally, 1965, pp.110-4.
- Kim, Hong Nack; Choe, Sunki; (1987). Urbanization and Changing Voting Patterns in South Korean, Parliamentary Election, Journal of Northeast Asian Studies, Fall, pp. 31-33
- Hong Nack Kim and Sunki Choe, Urbanization and Changing Voting Patterns in South Korean, Parliamentary Election, Journal of Northeast Asian Studies, Fall1987, pp.31-32.
- Grace, J. B. (2006). Structural equation modelling and natural systems. Cambridge university press. New York.
- Fisher, Stephen. Political Culture. 2003. P.1.(<http://malroy.econ.ox.ac.uk/fisher/polSOC>).
- Deutsch, Karl, W.; (1961). Social Mobilization and Political Development, American Political Science Review, LV September, pp. 493-515.
- Daniel Lerner, the passing of Traditional Society, New York: free press, 1956.pp.43-75.
- Cutright, P.; (1963). National Political Development: Social and Economic Correlates, Political and Social Life, p. 569.
- Alex Inkeles, Participant Citizenship in Six Developing Country, American Political Science Review, LXIII, December 1969, p.1139.
- Gabriel A.Almond and Sidney Verba, the Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations, Boston, Little Brown 1990.p.10.

A review of the impact of urbanization on the process of political development in Iran

Seyed Hamed Mousavi Shawl

Abstract

Cities as social centers need policy-making and planning for development. The effective implementation of these development programs requires upstream documents such as land use planning, economic, political, social and cultural development programs. In Iran Which leads to better policy-making in macro-development programs, efficient urban management and public participation. Political development can have one of the most important effects on urbanization. In this article, the impact of urbanization on the process of political development of cities in Iran from 1392 to 1399 is reviewed. This research is a review in terms of type of survey and is a library method. Data collection tool has been collected based on field studies and reference documents in this field. The findings of this study indicate that inferential indicators such as urbanization and its process is one of the underlying components of political development. Also, inferential factors such as the components of political participation, political awareness, freedom of expression and thought and democracy, institutionalization and weakening of tribal, ethnic and gender foundations have each had a direct and indirect impact on political development. Factors such as social mobilization and the formation of public and virtual spaces have had an indirect impact on political development. Extraction indicators from the fifth and sixth five-year plans of the country also indicate important factors such as diversity of urban strategies, political awareness of citizens, democracy and urban diplomacy, good urban governance, urban security, strengthening religious sites and its impact on political development. has it.

Keywords: Urbanization, Political Development, Political Participation, Iran